

# اسامی خاص ایتالیایی را چگونه در ترجمه منتقل کنیم

زهرا اسماعیلی فرد

مربی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

## چکیده

اسامی خاص، در هر زبان، هم معرّف ویژگی‌های فرهنگی‌اند و هم رساننده خصوصیت‌های نظام آوایی آن زبان، لذا در ترجمه باید به انتقال آنها، اعم از نام اشخاص یا مکان‌ها یا اسامی جغرافیایی توجه شود. در ترجمه ایتالیایی به فارسی مشکل تفاوت نظام نوشتاری دو زبان هم اضافه می‌گردد و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

## کلیدواژه

ترجمه، اسامی خاص، زبان مبدأ، زبان مقصد، نظام آوایی، نظام نوشتاری.

یکی از راه‌های آشنا شدن با فرهنگ‌ها و تمدن‌ها گذر از کتاب و ترجمه است. برای مثال، وقتی اثری ترجمه شده از ایتالیایی را می‌خوانیم، مایلیم، علاوه بر افکار و اندیشه‌ها و نگرش‌ها، با حال و هوای آن کشور در فلان زمان، انواع غذاها، لباس‌ها، آداب و رسوم، نام‌ها، و... آشنا شویم. در مقابل وقتی اثری را از فارسی به زبان دیگر بر می‌گردانیم به دنبال انتقال همین نکته‌ها و احیاناً شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی هم هستیم. بدیهی است این امر خالی از مشکل نخواهد بود.

از میان همه مشکلات، به لحاظ رشته‌ام، نیز به دلیل کاربرد آن، موضوع بیان و ضبط نام‌های خاص را برگزیدم. منظورم نام اشخاص، مکان‌ها، کوه‌ها، و... است.

اسامی خاص، در هر زبان و قوم، هویتی خاص دارند و معرف فرهنگ و تمدنی ویژه‌اند و اگر در ترجمه درست منتقل شوند این چهره خود، یعنی هویت فرهنگی-تمدنی خود را هم بروز خواهند داد، طوری که به محض شنیدن اسمی غالباً می‌توانیم بگوییم آلمانی است یا روسی، پرتغالی است یا فارسی یا ایتالیایی. نام‌ها به تنهایی می‌توانند از نظام آوایی زبان نیز سخن بگویند.

این مهم گاه اندک و گاه به مقدار وسیع نادیده گرفته می‌شود. مثلاً در برخی زبان‌ها هنگام بیان اسمی خاص حتی هویت آن را هم عوض می‌کنند و به اصطلاح شناسنامه‌ای از زبان میزبان به آن می‌دهند. این شیوه گاه در بعضی زبان‌ها به صورت کامل دیده می‌شود، مثل عربی، که حتی الامکان همه اسم‌ها را عربی می‌کنند، و گاه به صورت ناقص، مثل ایتالیایی، که لویی شاه فرانسه در این زبان تبدیل به لوئیجی شده است، یا شارلمانی به کارلو مانیو، نیویورک به نوئیورک (Nuova York) و همین طور بسیاری از نام‌های دیگر، از جمله نام‌های مذهبی. ببینید که حواریون حضرت مسیح<sup>ع</sup> چطور تغییر نام داده شده‌اند و شناسنامه ایتالیایی گرفته‌اند. گویی هرگز فلسطینی نبوده‌اند. حتماً در زبان‌های دیگر هم مصادیقی در این زمینه هست.

اگر بخواهیم این هویت از بین نرود، چه کنیم؟ نکته اساسی توجه به ویژگی‌های دو زبان مبدأ و مقصد است. در اینجا محور بحث دو زبان ایتالیایی و فارسی و بیان و ضبط نام‌های خاص ایتالیایی به فارسی است. با در نظر گرفتن ویژگی‌های این دو زبان، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

### ۱. عدم ترجمه از زبان سوم

اساساً بهترین ترجمه، حرکت از زبان مبدأ به زبان مقصد به صورت مستقیم است. یعنی مثلاً اگر کتاب آلمانی از طریق روسی به فارسی ترجمه شود کار انتقال بسیار مشکل‌آفرین خواهد شد. این عمل، علاوه بر نقایص احتمالی، که می‌تواند در فهم اصل مطلب از آلمانی به روسی و از روسی به فارسی وجود داشته باشد، تحمیل الگویی تلفظی را هم در پی دارد. بنابراین، حتی الامکان از ترجمه از طریق زبان سوم باید اجتناب شود و در صورت برخورد با موارد استثنایی باید به دقت به نظام آوایی هر سه زبان توجه نمود.

## ۲. کنار گذاشتن قالب فرانسوی یا انگلیسی در بیان نام‌ها

از آنجا که مردم ایران به دلیل نظام آموزش و پرورش، و البته برخی دلایل دیگر، نخست و به طور گسترده با زبان فرانسه و سپس با انگلیسی آشنا شدند (صرف نظر از تأثیر زبان عربی که زبان دین فارسی‌زبانان و در گذشته زبان علم و ادب و... بوده و واژه‌ها و اسامی آن چنان با فارسی آمیخته گشته است که هنگام شنیدن آنها به سادگی نمی‌توانیم آن‌ها را از هم تمیز دهیم) و بیش از ۱۲۰ سال آثار متعدد از این دو زبان یا از گذر این دو به فارسی برگردانده شده است، در ترجمه اسم‌های خاص قالبی به وجود آمده است. میزان واژه‌های قرصی فرانسه و انگلیسی، خود بهترین گواه این امر است. قالب پدید آمده حتی در تلفظ واژه‌های قرصی هم اثر گذاشته است. با ذکر مثال‌هایی مسأله روشن‌تر می‌شود. چون بسیاری از آثار ادبی ایتالیایی از طریق فرانسه به فارسی برگردانده شده است می‌بینیم که فیرنثسه (Firenze) ایتالیایی به فلورانس تبدیل می‌شود، ونه‌تسیا (Venezia) به ونیز، ماریا به ماری، روبرتو به رابرت، جوانی به ژان، روما به رم، ناپولی به ناپل، میلانو به میلان، سیجیلیا به سیسیل، بوکاچو به بوکاچیو، جوزیه به ژوزف، چزاره به سزار یا قیصر و هزاران مورد دیگر و نام‌ده‌ها و ورزشکار و ادیب و... اصلاً معلوم نیست این نام‌ها ایتالیایی‌اند یا فرانسوی. پاپ در ایتالیا منصوب می‌شود و نام مقدس جووانی پائولو را بر می‌گیرند، اما در فارسی او را ژان پل می‌خوانند. (جالب است بدانیم که چون نام او از نام شخصیت‌های مذهبی گرفته شده است در زبان‌های لاتینی آن را تبدیل به زبان خود می‌کنند، مثلاً اسپانیولی زبان‌ها او را خوان پابلو می‌خوانند و انگلیسی‌ها جین پال). این قالب باید بشکند و اسم‌ها آن‌طور که در زبان اصلی تلفظ می‌شوند بیان و ضبط گردند.

## ۳. شناخت نظام آوایی دو زبان

اگرچه ممکن است بسیاری از آواها یا خصوصیات آوایی دو زبان شبیه هم باشند اما نحوه استفاده آنها از صداها، یعنی نظام آوایی زبان‌ها مختلف است و این نکته‌ای است که باید به آن توجه کرد. مثلاً در دو زبان فارسی و ایتالیایی صداهاى مشابه بسیارند، مثل /s/، پ /p/، ب /b/، ف /f/، و غیره. از سوی دیگر، برخی از صداها به کلی متفاوتند، مثل صداهاى نی /gn/ (gn)، لی /gl/ (gl)، تس یا دز /dz/ /ts/ (z) که خاص ایتالیایی

هستند و ق /q/، ه /h/، همزه /p/ و خ /x/ که خاص فارسی اند. حال با دو مسأله روبه روییم: الف. بیان صداهای ایتالیایی به فارسی. به طور طبیعی و حتی ناخودآگاه اهل هر زبان صداهای زبان دیگر را به نزدیکترین و شبیهترین صداهای زبان خود از لحاظ نحوه تولید یا محل تولید تبدیل می کنند. این شیوه در بسیاری موارد راهگشا است. مثلاً ما فارسی زبانها «ن»ی پیشکامی ایتالیایی /n/ را تبدیل به «ن»ی متداول فارسی می کنیم و صدای ی /z/ را که صدایی کامی است در پی آن می آوریم. هرچند یکی نمی شود اما بسیار نزدیک است. این روش در مورد «ل»ی کامی ایتالیایی /l/ هم صادق است. ویژگی تشدید هم، که همراه این دو صدا در ایتالیایی هست، در فارسی قابل بیان است، چون ما هم در زبان خودمان تشدید داریم. اما دو صدای ts و dz راه حل دیگری دارد. ب. بیان خصوصیات و روابط آوایی ایتالیایی به فارسی (یعنی ترتیب و چگونگی استفاده از آواها برای ساختن هجا و واژه و...). نمایش بعضی از این خصوصیات واقعاً محقق نمی شود، مثل نمایش تکیه واژه یا نواخت. اما در ترجمه متن فیلم باید به تکیه اسمها توجه شود.

در مورد قواعد هجاسازی دو زبان باید گفت که در ایتالیایی کاملاً طبیعی است که واژه یا هجا با دو یا سه همخوان آغاز شود، اما هیچ واژه یا هجایی به هیچ وجه در فارسی چنین آغازی ندارد. در فارسی برای بیان این خوشهها مجبور به شکستن آنهایم، مثلاً با افزودن واکه — یا /e/ در آغاز خوشههای دوهمخوانی st، sp، sk ایتالیایی در کلماتی چون Speranza، Stefania آن را می شکنیم و تبدیل به دو هجا می کنیم. با افزودن همین آوا در وسط خوشههای دوهمخوانی cl، tr و fr در کلماتی چون Tresa، Clemente، باز دو هجا پدید می آوریم.

شاید در ترجمههای شفاهی، مثل فیلم و...، این شیوه کار را راحت کند اما آیا از زبان اصلی دور نشده ایم و آیا می توان شیوه متفاوتی برای آثار نوشتاری به کار برد؟ این سؤال در بخش بعد پاسخ داده می شود.

#### ۴. مسأله خط

فارسی و ایتالیایی از دو نظام نوشتاری متفاوت استفاده می کنند که تبدیل هریک را به دیگری سخت می کند و تنها همین علت کافیهست که هر راه حلی را به شکست برساند.

اخیراً، در پی ترجمه‌های مستقیم از ایتالیایی، میل به درست نوشتن اسامی ایتالیایی پدید آمده است و تلاش می‌شود که اسم‌ها به صورت درست و نزدیک به اصل نوشته شود. البته برای اسم‌هایی که در طول تاریخ وارد زبان ما شده و ثبت و معمول گشته‌اند شاید نتوان کاری کرد، چرا که در صورت تغییر دادن آنها در فرایند اصلاح، ارتباطشان با تاریخ قطع می‌شود و لذا فلورانس و سزار به همین صورت می‌مانند. اما در مورد نام‌های دیگر باید تلاش پیگیری داشته باشیم. اکنون سعی می‌شود که حتی الامکان با خط فارسی صداهاى ایتالیایی را نشان دهند، مثلاً «پی‌یه‌ترو» به جای نگارش سابق «پیترو». این کافی نیست و با توضیحات بخش پیشین معلوم می‌شود که کاملاً کارآمد نیست، چون اگر Clemente را به صورت «که‌له‌مه‌ته» هم بنویسیم باز مشکل ساکن بودن ن و چسبیدن آن به ت وجود دارد. شاید واکه‌های — و ای را بتوان به این صورت بیان کرد اما بقیه واکه‌ها را چه کنیم؟

بهترین راه حل استفاده از نشانه‌های نوشتاری برای واکه‌ها و نیز نشانه سکون و تشدید است. تلفظ هر اسم را به کمک اعراب به خوبی و به درستی می‌توان نشان داد. حتی ts هم با گذاشتن علامت سکون قابل خواندن می‌شود. اگر مثلاً بنویسیم اینی‌یاثسِئو (Iniazio)، اگرچه تلفظش سخت است اما آن را درست می‌خوانیم و با کمی تمرین در فیلم‌ها هم درست بیان می‌کنیم. قرار نیست این کلمه و هم بقیه اسم‌های خاص وارد زبان فارسی شود و مثل وام‌واژه‌ها کاربرد روزانه بیابد تا مجبور به تبعیت از قواعد آوایی ما شود. کافی است درست ادا شود و معلوم گردد که غیر فارسی است، و در تاریخ یا در نوشته‌ها درست ضبط شود.

در پایان به یکی دیگر از ویژگی‌های اسم‌های خاص ایتالیایی اشاره می‌کنم. این مورد هم دلیلی بر لزوم ثبت درست اسم‌ها و ارزش این کار در بیان خصوصیات آوایی است. نام‌های خاص ایتالیایی در پایان به واکه ختم می‌شوند، مثل فردیناندو، اما در فارسی، در صورت تبعیت از روش نادرست گذشته، با حذف واکه پایانی، این خصوصیت‌شان از بین می‌رود و، بدتر از این تقیصه، ویژگی موسیقایی خاص زبان ایتالیایی هم محو می‌شود.